

یکشنبه ۱۰ آذر ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۵۴۹	
روزنامه	
جهان	
قطعه‌ای از کتاب ولفگانگ اشتریک	صفحه ۱۰
گفت‌وگو با ژاک رانسیه، فیلسوف فرانسوی، درباره آخرین کتابش	صفحه ۱۱
روایتی از فراخوان کتاب‌گردی در ایران	صفحه ۱۲

نگاه
چرا «سندرز» در کنار مسلمانان ایستاده‌است؟
<i>ترجمه: نوژن اعتضادالسلطنه</i>

«برنی سندرز» که پیشینه خانوادگی یهودی دارد، در زمان اعلام نامزدی‌اش برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا اشاره کرد که علیه اسلام‌هراسی و نژادپرستی در کنار مسلمانان خواهد ایستاد. اظهارات او در این‌باره چیزی بیش از یک بیانیه شخصی بود. این سناتور مستقل در برابر دشوارترین چالش در نبرد برای نامزدی حزب «دموکرات» قرار گرفته است؛ دورشدن از تصویری که درگذشته به‌عنوان «یک مرد سفیدپوست پیر از ورمونت» در افکار عمومی ایجاد شده است و مرتبط با برخی از جوامعی است که به‌طور تاریخی به حاشیه رانده شده‌اند.

«متیو دیکینسون»، استاد علوم سیاسی در کالج «میدل بری» در ورمونت که از نزدیک فعالیت‌های سیاسی سناتور سندرز را دنبال کرده است، می‌گوید: «بزرگ‌ترین مانع، در برابر او گسترش دامنه انتخابی خود در میان اعضای مترفی حزب دموکرات است.» او در این‌باره می‌افزاید: «زبان سندرز در حال تکامل است و درحال‌حاضر بیشتر به دغدغه‌های حاشیه‌های اجتماعی نزدیک شده است.»

در لحظه‌ای نادر، سندرز فرصتی تاریخی در دست آورد تا موضع خود در قبال مسلمانان را بیان کند. در یک سالن دانشگاهی در دانشگاه «جورج میسن» در «فرفکس» ویرجینیا، دانشجوی مسلمانی از او پرسید که چگونه می‌خواهد با شعارها و اظهارات اسلام‌هراسانه در آمریکای امروز مقابله کند.

سندرز در پاسخ به او گفت: «اجازه دهید نظر شخصی‌ام را بیان کنم. پدر من جان خود را در اردوگاه‌های کار اجباری از دست داد. من یک یهودی هستم. من هر کار ممکنی را برای رهاشدن این کشور از شر لکه زشت نژادپرستی که برای سال‌های مدید وجود داشته انجام خواهم داد.» او در ادامه افزود: «کار ما ساخت کشور است. باید در کنار یکدیگر به‌عنوان یک ملت بایستیم. شما حق دارید، نفرت زیادی علیه مسلمانان در آمریکا وجود دارد. اگر ما که در کنار یکدیگر بایستیم می‌توانیم با همکاری همدیگر به تمام اشکال نژادپرستی پایان دهیم.» البته اظهارات سندرز نشان می‌دهند که او مایل است درباره زندگی شخصی و تمایلات خود درباره مسائل نژادی از درجه ناپرابری



اقتصادی بحث کند که منتقدانش آن را بزرگ‌ترین نقطه‌ضعف او می‌دانند.
درمان حال، او همواره بر مبارزه علیه اسلام‌هراسی تأکید کرده است. «عبدالقادر»، یکی دیگر از دانش‌جویان پرسش‌کننده از سندرز، او را در نقطه مقابل «دونالد ترامپ» و «بن کارسون»، نامزدهای حزب جمهوری‌خواه، قرار داد که هردو جنجال‌برانگیزترین اظهارنظرها را در درباره مسلمانان بیان کرده‌اند. باوجوداین، دیکینسون درباره شکاف ایجادشده هم‌زمان با بیانیه‌ها و اظهارات مخالف جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها، درباره موضوع نژادی و تبعات آن هشدار می‌دهد. برای تسلم نامزدها است که تاکنون بیشتر به سمت «هیلاری کلینتون»، نامزد خود هر کار ممکنی را برای افزایش شانس خود در انتخابات مقدماتی انجام دهند. این به آن معناست که بیشتر اظهارات نامزدها مستقیما خطاب به رای‌دهندگانی است که در احزاب متبوع آنان حضور دارند و در مرحله مقدماتی به این نامزدها رای خواهند داد.

به‌عنوان نمونه، برای کارسون این به آن معناست که شعارهایش در استانی است که همراه با نظر رای‌دهندگان جمهوری‌خواهی باشد که بر این باورند که مسائل نژادی بیش از اندازه در انتخابات تأثیرگذار شده‌اند و به‌همین‌دلیل تلاش دارد تا از نامزدی خود نژاددوایی کند، برای سندرز، این به معنای حرکت او از چهره سیاست‌مداری مرفقی به‌سوی سیاست‌مداری است که تلاش می‌کند رای اعضای جوامع رنگین‌پوست و دیگر گروه‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده را به‌سوی خود جلب کند؛ افرادی که تاکنون بیشتر به سمت «هیلاری کلینتون»، نامزد پیشتاز دموکرات‌ها، تمایل بوده‌اند. دیکینسون در این‌باره می‌گوید: «آنان (افراد عضو گروه‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده) با دیده تردید نسبت به این مرد موسیقی و با طرز رفتاری شبیه دیوانه‌ها که از ورمونت است می‌نگرند؛ مردی که با لهجه غلیظ اهالی «بروکلین» صحبت می‌کند». او اشاره می‌کند که برای نزدیکی به جامعه مسلمانان، بخشی از استراتژی بزرگ‌تر گسترش پایگاه رای‌دهندگان است.

باید منتظر ماند و دید که آیا تلاش‌های او در این راستا نتیجه‌بخش خواهند بود یا خیر. بااین‌حال، دست‌کم در جلسه دانشجویی دانشگاه جورج میسن شواهد حاکی از آن بود که به نظر می‌رسد ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای جذب آرای مسلمانان آمریکا توسط سندرز وجود دارد. «عبدالقادر» در این‌باره به تشریه «تینک پوکرس» می‌گوید: «اگر یک نفر وجود داشته باشد که باید به کاخ سفید راه یابد، آن فرد قطعاً سندرز است». عبدالقادر در ادامه می‌افزاید: «او برای حقوق همگان ایستادگی می‌کند. خواه شما سیاه‌پوست باشید، خواه مسلمان یا مسیحی یا اینکه لاتین‌تبار باشید. او برای برابری تلاش می‌کند. این همان دلیلی است که من رئیس‌جمهوری بعدی ایالات متحده آمریکا را شناسایی کرده‌ام: برنی سندرز».

منبع: کریستین ساینس مانیئور

یکشنبه ۱۰ آذر ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۵۴۹	
روزنامه	
جهان	
قطعه‌ای از کتاب ولفگانگ اشتریک	صفحه ۱۰
گفت‌وگو با ژاک رانسیه، فیلسوف فرانسوی، درباره آخرین کتابش	صفحه ۱۱
روایتی از فراخوان کتاب‌گردی در ایران	صفحه ۱۲

یادداشت
خوانشی از دموکراسی

پیروزی حزب «عدالت و توسعه» در انتخابات پارلمانی ترکیه، سرآغاز فصل جدیدی در جدال فکری و ایدئولوژیکی در این کشور است. آنچه که در ترکیه پسائون نیز همچون دهه‌های پیشین قابل مشاهده است، تولید فرهنگ خشونت قومی و بازتولید شکاف در بین دو گروه عمده ترک و کرد است؛ گسلی که ساخته مجادلات فرهنگی و مردمی نیست، بلکه برایند فهم تاریخی ناسیونالیسم ترکیه عثمانی است که در جدالی ۸۰۰ ساله با نیروهای فرودست، بقایای فکری مخرب آن نه‌نشین نشده و نتوانسته است از منظر سلطه‌طلبی بیرون آمده و به اصول دموکراتیک بایندد باشد.

انتخابات اخیر ترکیه نیز دارای دو پیام مهم بود؛ نخست اینکه هر زمانی جنگ بین نیروهای دولتی و مخالفان سیاست‌های حاکمیت مرکزی شدت یابد، به همان اندازه گروه‌های متفاوت فرهنگی و قومی نیز متأثر خواهند شد و با وجود میلشان، رفتاری غیردموکراتیک نشان خواهند داد. دوم، هرگاه شرایطی برای نه‌ادینه‌شدن بسترهای دموکراتیک پیش آمده، نیروهای متضاد با عوامل مختلف آشوب و ناامنی سعی کرده‌اند روند و جهت جامعه‌را به سمت خود بکشانند. نگاهی به سیاست‌های حزب عدالت و توسعه در فاصله دو انتخابات به‌خوبی نشان می‌دهد، یک حزب شکست‌خورده در فرایندی دموکراتیک چگونه می‌تواند با ابزارهای مختلف برنده رقابتی بر اماواگر باشد؛ رقابتی که یک سر آن مردم خسته و درمانده از جنگ قرار دارند و در سر دیگر آن گروه‌های منتظر رسیدن به قدرت.

قدرت‌گیری عدالت و توسعه و دسترسی به ارکان قدرت و ثروت در ترکیه نه‌تنها گروه‌های ملی صاحب قدرت را به حاشیه رانده بلکه هرازچندگاهی آنها را به خدمت گرفته و در مسیر مواضع خود قرار داده است. انتخابات اخیر نشان داد، جنگ مابین ارتش ترکیه و حزب «کارگران کردستان» (پ‌ک‌ک) علاوه بر آنکه توانست مقبولیت حزب «دموکراتیک خلق‌ها» را در پیش چشم طرفداران غیرکرد مخدوش کند، به همان اندازه ملی‌گرایان خاصی را به بیروی فرادست که حزب عدالت و توسعه بود، نزدیک‌تر کرد. استفاده انتخاباتی حزب عدالت و توسعه از این سیاست در اردوغان «دموکراتیک خلق‌ها، همان پ‌ک‌ک است و پ‌ک‌ک همان دموکراتیک خلق‌هاست»، آنچنان در فضای پراشوب مابین دو انتخابات بر فضای ترکیه حاکم شد تا عملاً نیروهای اجتماعی و فعالان مدنی غیرکرد حامی حزب دموکراتیک خلق‌ها با پس کشیدند و در یک دوگانگی فکری با موج اسلام‌گرایان حامی حزب عدالت و توسعه حرکت کردند. فضای جنگی بین دو انتخابات هر زمانی برای خودش موقعیتی دارد. من برای گذشته گریه نمی‌کنم. به‌نظم نسل مرز هوشیارتر و جسورتر از گذشته است.

کا از پدران چه خاطراتی دارید؟
او مردی خانواده‌دار بود. وقتی باران می‌آمد ما را سوار ماشین می‌کرد تا برویم باران را ببینیم کم‌اینکه برای دیدن مراسم عید به همراه مادر ما را به طائف می‌برد. ما را با خودش به شکارگاه می‌برد و در سفرهای درمانی نیز ما با او همراه بودیم. هنگام مرگش می‌خواست تابستان به طائف برود، خواهرم با من تماس گرفت و خبر داد پدر بیمار است و دکتر گفته حتما باید او را به بیمارستان برسانیم. گفت صبح وقتی داشت لباسش را می‌پوشید سرفه کرده و خون از دهانش آمده بود. بااین‌حال اصرار داشت به طائف برود. به جز مادرم به کسی اجازه نداد همراهش برود. وقتی رسید با همه ما تماس گرفت. من نگرانش بودم و تصمیم گرفتم به آنجا سفر کنم. اما نتوانستم پیش از مرگ یک‌بار دیگر او را ببینم.

منبع: الملل نقش ایفا کند.



«موضی بنت خالد بن عبدالعزیز»، عضو مجلس شورای عربستان:

رانندگی زنان برای ما جنجال آفرین شده است

ترجمه: علی ملکی

توسعه کشور می‌شود و به دیگران فرصت دخالت در امور ما را می‌دهد.

کا خیلی از زنان سعودی هستند که با بسیاری از حقوق‌شان مخالف هستند. آیا زن می‌تواند دشمن خودش باشد؟

من چنین فکر نمی‌کنم. به گمانم، این‌گونه مخالفت‌ها فقط برای مخالفت‌کردن است. یعنی می‌خواهند با گوینده‌ای موافق یا مخالف باشند نه با اصل موضوع.

کا آیا فکر نمی‌کنید دلیل آن چیزهای دیگری باشد؟

قطعاً چنین است. اما باید از کسانی حمایت کرد که موضع میانه را گرفته‌اند.

کا شما درباره مجلس شورا ملاحظاتی داشتید؛ به‌ویژه درباره وزارت امور اجتماعی که معتقد بودید کوتاهی کرده است. نظر شما دراین‌باره چیست؟
وزارت امور اجتماعی تاکنون نتوانسته توانمندی جمعیت‌های خیریه را از طریق یک برنامه توسعه و هدایت این نهادها به پیش ببرد. این کاری است که ما برای خودمان در مؤسسه خیریه ملک‌خالد انجام دادیم. وزارت امور اجتماعی فقط به ایجاد مانع بر سر کارهای خیریه می‌اندیشد و همین باعث ناامیدی خیلی‌ها شده است کم‌اینکه یک دیدگاه توسعه‌ای مطابق با کارهای اجتماعی ندارد. الان من از آمدن «ماجد القصبی»، وزیر جدید امور اجتماعی، خیلی خوشحالم. او اهمیت نقش این وزارتخانه را در توسعه جامعه می‌فهمد و فلسفه خاصی برای مدیریت آن دارد.

کا آیا فکر می‌کنید این بوروکراسی اداری است که عامل اینهاست؟
فکر می‌کنم ترس بوروکرات‌ها از تغییر است.

کا با صحبت‌هایی که درباره امور اجتماعی داشتید و تجربه‌ای طولانی که در این عرصه دارید، آیا امکان دارد روزی وزارت امور اجتماعی را قبول کنید؟
نه، هرگز. این مقام را باید به نسل جوان و شجاع سپرد. من حاضریم تجربه‌ام را دراین‌باره تقدیم کنم.

کا آیا اعتقاد دارید اگر یک زن در رأس این وزارتخانه قرار گیرد، می‌تواند بیش از مردان کارآمد باشد؟

بله، قطعاً. چون خیلی از کارهای خیریه از سوی زنان صورت می‌گیرد. در عربستان سعودی چهار مؤسسه خیریه نخست از طرف زنان بود که تأسیس شد.

کا شما اولاً به‌عنوان یک شاهزاده و بعد به‌عنوان عضو شورا، آیا نیازمند آن هستید که برای انجام بعضی کارها مستقیماً به تصمیم‌گیرندگان مراجعه کنید؟

من هرگز چنین کاری را نمی‌کنم؛ زیرا این خلاف مقررات مجلس است. فقط نظرم را از طریق این مجلس بیان می‌کنم.

کا یک سؤال دائم تکرار می‌شود و آن اینکه آیا زنان توانسته‌اند در این شورا نقش خودشان را داشته باشند و تفاوتی به‌وجود آورند؟
همه اعضا به این تغییر اعتراف می‌کنند و می‌گویند زنان توانسته‌اند تحرک تازه‌ای را به‌وجود آورند. زنان عضو شورا برای طرح هر مسئله بدون قید شرط از آزادی کامل برخوردارند.

کا اجازه دهید کمی وارد زندگی شخصی شما شویم، مراحل آموزشی را چگونه گذرانید؟

اول در خانه. از همان کودکی ما معلمانی از فلسطین، لبنان و اردن داشتیم. آن‌وقت‌ها ما در «ام‌حمام» زندگی می‌کردیم و همراه پدر به طائف و جده مسافرت می‌کردیم. حتی وقتی برای شکار به سودان و ایران می‌رفتیم، معلمان را همراه خودمان می‌بردیم. این معلمان هرکدام روش خاصی داشتند. در کنار درس‌های دینی، ما روش تدریس اردنی و لبنانی را هم فراگرفتیم. معلمی به نام محمود داشتیم که هر روز جمعه می‌آمد و با خودش مجلات «سندباد» و «سمیر» را می‌آورد. ما در طول هفته آنها را می‌خواندیم و من اشعارش را حفظ می‌کردم. بچه‌های امروز، حالا هرکدام برای خودشان آید و آیفون دارند.

کا یاد آن روزها را می‌کنید؟

هر زمانی برای خودش موقعیتی دارد. من برای گذشته گریه نمی‌کنم. به‌نظم نسل مرز هوشیارتر و جسورتر از گذشته است.

کا در برابر مسائلی مانند قیومیت بر زنان چه می‌گویید؟
اول اینکه باید به رشته موضوع توجه کرد. یعنی اینکه چه مسئله‌ای شرعی و چه مسئله‌ای فقط عرف و عادت است. به‌نظر من مسئله شرعی همان همسری است. البته اینها را باید متخصصان جواب دهند، زیرا هر مسئله کوچک و بزرگی را درباره زنان مطرح‌کردن، موجب تعطیلی روند جمعیت‌های خیریه.

کا در برابر مسائلی مانند قیومیت بر زنان چه می‌گویید؟

خیلی تعجب‌آور است. شاید به خاطر این باشد که نفس موضوع مناقشه‌برانگیز است.

یک‌بار در شورا مطرح شد که تعطیلات آخر هفته را به جمعه و شنبه بیندازند و خیلی هم بحث‌برانگیز شد.

بله، من در این مباحث حضور داشتم. یادم می‌آید با چند از پیشنهاد دکتر «سعود الشمری» بود که این بند هم برای تصویب ارائه شد. یکی از اعضا نصیحت‌کنان گفت «اتقوالله!». اما بعد از تصویب کل آن ماده، این روز را هم همه قبول کردند.

کا بعضی می‌پرستند چرا برخی مسائل مثل جمعیت در شورا به بحث گذاشته می‌شود؟

مسئله جمعیت بخشی از طرح جمعیتی وزارت برنامه‌ریزی است. بنابراین باید اعضا درباره آن نظر دهند و هر مسئله‌ای را بررسی کنند.

کا نظر شما درباره حرف‌های رایج مربوط به حقوق زنان در عربستان سعودی چیست؟ دراین‌باره بهتر است چه گفته شود؟

حقوق زن در اسلام تضمین شده است. البته اگر حقیقت اسلام پیاده شود. اما متأسفانه در بسیاری از موارد دین، شریعت و عرف با یکدیگر یکی می‌شوند. ما اگر به جای سنت‌ها و عرف، به متون قرآنی بایندد باشیم، قطعاً هیچ‌کدام از این مشکلات را نخواهیم داشت.

کا مسئله زنان با سرورصدای زیادی همراه است و همین مسئله به زنان آسیب می‌رساند. به‌نظر شما دلیل آن چیست؟

مردم به‌طور کلی تغییر را دوست ندارند و از امور جدید می‌ترسند و این امری عادی است.

کا آیا اینها به مسائل زنان آسیب می‌رساند؟
قطعاً آسیب می‌رساند و آن را به تأخیر می‌اندازد.

کا آیا بر این باورید کسانی سعی می‌کنند مسائل مربوط به زنان را سیاسی کنند؟

نمی‌دانم این کار چه فایده‌ای دارد که هرکس خواستار نابودی حقوق زنان باشد، دنبال او راه می‌افتند.

کا بالطبع من به هر مسئله به صورتی جداگانه نگاه می‌کنم. با وجود اینکه من وارد مسائل جنجالی مثل رانندگی زنان نمی‌شوم، اما قطعاً با این کار موافق هستم. هرچند تاکنون این موضوع در شورا مطرح نشده است. به اعتقاد من، این مسئله در کشور ما زیادی وقت گرفته است. دلیل آن هم غوغایی است که بر سر آن در داخل و خارج به‌وجود آمده است. اگر تصمیم با من بود، فوراً با آن موافقت می‌کردم و به این قضیه خاتمه می‌دادم

کا در عربستان چیزی به نام «جنش زنان» وجود دارد؟
اعتقاد ندارم چنین چیزی وجود داشته باشد. من دوست ندارم مسائل زنان را از طریق «زنانه‌بودن» آن حل کنیم. به اعتقاد من، در جامعه ما میزان آگاهی افراد اعم از زن یا مرد یا حتی کودکان نسبت به حقوق‌شان افزایش پیدا کرده است. حقوق زنان به دلیل آگاهی‌نداشتن به تأخیر افتاده و طبعاً طرح آن هم با تأخیر بوده است.

کا زنان الان را اگر بخواهید با دیروز مقایسه کنید، چه می‌گویید؟
زن در گذشته نقش مهمی در خانواده و جامعه داشت. حتی به یک فرد اشاره می‌کردند و می‌گفتند فرزند فلان زن! اما بعدها با ورود سرمایه‌های نفتی، زنان به حاشیه رانده شده و در خانه محبوس ماندند. از سوی دیگر، جامعه گذشته هرچند بیشتر متدین بود اما درعین‌حال تسامح بیشتری داشت. در گذشته، نگاه به زنان ساده بود. آنها برای خودشان مجالس خاصی داشتند که به آنها رفت‌وآمد می‌کردند. در خانواده، این‌بزرگ خانواده بود که به استقبال میهمانان می‌رفت و با آنها نشست و برخاست می‌کرد. من به‌خوبی یادم می‌آید بعضی نزد امیری یا شیخ قبیله‌ای می‌رفتم و تحت حمایت او قرار می‌گرفتم. به محض اینکه تحت حمایت قرار می‌گرفتم، دیگر کسی حق نداشت خشونتی را متوجه آنان کند. این حمایت ممکن بود برای سال‌ها ادامه داشته باشد. اینها امروزه از بین رفته است.

کا ارزیابی شما از تغییراتی که امروزه در شرایط زنان عربستان رخ داده، چیست؟

تفاوت‌ها خیلی زیاد است. من چون با زنان سروکار دارم، این را می‌گویم. خیلی فرق کرده است؛ هم در جامعه و هم در نهادهای دولتی و جمعیت‌های خیریه.

کا در برابر مسائلی مانند قیومیت بر زنان چه می‌گویید؟
اول اینکه باید به رشته موضوع توجه کرد. یعنی اینکه چه مسئله‌ای شرعی و چه مسئله‌ای فقط عرف و عادت است. به‌نظر من مسئله شرعی همان همسری است. البته اینها را باید متخصصان جواب دهند، زیرا هر مسئله کوچک و بزرگی را درباره زنان مطرح‌کردن، موجب تعطیلی روند

شورای عربستان ۱۵۰ عضو دارد که همه از سوی پادشاه از بین رجال و سیاست‌مداران کشور تعیین می‌شود. «ملک عبدالله»، پادشاه پیشین عربستان، مقرر کرد ۲۰ درصد از کرسی‌های این شورا به زنان اختصاص داده شود. این اتفاق تحول مهمی در عرصه سیاست عربستان تلقی شد. شاهزاده «موضی بنت خالد بن عبدالعزیز»، یکی از این نمایندگان است. او سال‌ها سمت دبیر کلی جمعیت زنان «النهضة» و ریاست «مؤسسه خیریه خاله» را برعهده داشته است. او در این گفت‌وگو برداشت‌ها و دیدگاه‌های خودش را درباره وضعیت زنان در عربستان بیان می‌کند؛ البته دیدگاه‌های فردی که از درون خانواده سلطنتی حاکم آمده است. موضی، فرزند «خالد بن‌عبدالعزیز آل‌سعود»، پادشاه اسبق عربستان سعودی، است که در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۸۲ درگذشت. او از تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۷۵ تا ۱۳ ژوئن ۱۹۸۲ در عربستان سعودی حکومت کرد و دوران زمامداری‌اش هم‌زمان با پادشاهی محمدرضا پهلوی در ایران بود که هر دو با یکدیگر روابط حسنه‌ای داشتند. موضی در این مصاحبه به ایران نیز اشاره دارد:

کا نظام شورا اصلاح شد و یک سهمیه ۲۰ درصدی برای زنان در نظر گرفته شد. کام شما جزء اسامی اولین زنانی بود که به‌عنوان عضو مجلس شورا معرفی شد. این از نظر شما چه معنایی دارد؟

از نظر من تعجب‌آور بود و شخصاً انتظارش را نداشتم. وقتی ملک‌عبدالله اعلام کرد زنان را وارد مجلس شورا می‌کند، ما در انجمن‌النهضة برای دوره‌های آمادگی و آگاهی‌دادن به زنان برای انجام کارهای پارلمانی دست به کار شدیم. من انتظار نداشتم اسمم جزء این اعضا باشد. تا اینکه شنیدم اسمم دوزن از خانواده ملک‌عبدالله وارد این فهرست شده است. این درواقع پیامی به کسانی بود که مخالف این تصمیم بودند. از طرف دیگر، این بیانگر تصمیم جدی پادشاه سعودی برای مشارکت‌دادن زنان در این شورا بود تا شورا نماینده کل جامعه باشد.

کا اکنون در دوران «ملک‌مسلمان بن‌عبدالعزیز»، این نقش چه تغییری کرده است؟

نقش ما تغییری نکرده است. ملک‌سلمان خودش زمانی که ولیعهد بوده حتما در این تصمیم‌گیری مشارکت داشته است.

کا آیا می‌شود نقش شما را به‌عنوان زن، از نقش شما به‌عنوان یک نماینده در این مجلس جدا کرد؟

ابتدا من درباره نقش خودم در این شورا کنکاش می‌کردم. اینکه آیا کارم باید منحصر به طرح مشکلات زنان در جامعه عربستان باشد یا خیر. اما این تصور اشتباهی بود. چون انتظاری که از ما به‌عنوان عضو شورا می‌رود، بسیار بیشتر از اینهاست. ما در آنجا با کمیته‌های اقتصادی، قضائی، اجتماعی و نظارتی سروکار داریم.

کا وقتی شورا می‌خواهد تصمیمی بگیرد یا می‌خواهد برای تصمیمی رای‌گیری کند، به شما چطور می‌نگرند؟

به من به‌عنوان یکی از اعضای شورا نگاه می‌کنند. واقعیت این است که خیلی حرف نمی‌زنم. چون شخصاً دوست دارم از طریق کمیته‌ها کارم را پیش ببرم.

کا دلیل اینکه در طول بحث‌ها از شما نمی‌خواهند اظهارنظر کنید، چیست؟

کسانی آنجا هستند که برای بیان نظرات مهارت لازم را دارند. افراد دیگری هستند که تخصص‌شان است. هر مسئله‌ای که طرح می‌شود باید مورد بررسی قرار گیرد و دیدگاه‌های افراد ثبت می‌شود. من در خلال جلسات منتظر می‌مانم. چون اگر کسی همان حرفی را داشته باشد که دیگران می‌زنند فقط موجب تکرار خواهد شد.

کا درباره رانندگی زنان در عربستان چه می‌گویید؟

بالطبع من به هر مسئله به صورتی جداگانه نگاه می‌کنم. با وجود اینکه من وارد مسائل جنجالی مثل رانندگی زنان نمی‌شوم، اما قطعاً با این کار موافق هستم. هرچند تاکنون این موضوع در شورا مطرح نشده است. به اعتقاد من، این مسئله در کشور ما زیادی وقت گرفته است. دلیل آن هم غوغایی است که بر سر آن در داخل و خارج به‌وجود آمده است. اگر تصمیم با من بود، فوراً با آن موافقت می‌کردم و به این قضیه خاتمه می‌دادم.

کا نگاهتان به مقوله بچه‌دارشدن چیست؟
این مسئله هم نباید این‌قدر طولانی می‌شد. گفته می‌شود توصیه، پس دیگر اجباری در کار نیست. ما که در چین زندگی نمی‌کنیم، ما یک دولت اسلامی هستیم که برای خود برنامه‌ای دارد. هرکس می‌خواهد ۲۰ بچه داشته باشد، برود داشته باشد. اما هدف از این توصیه، تشویق زنان به این است که بین تولدها فاصله بیندازند و مراقب سلامتی خودشان باشند. من فقط سه فرزند دارم و طبعاً هیچ زنی را تشویق نمی‌کنم تا هشت بار زایمان کند. وقتی من چیزی را برای خودم نمی‌پسندم برای دیگری هم قبول ندارم. به‌هرحال، باید این یک تصمیم شخصی باشد؛ نمی‌دانم چرا این‌همه سروصدا به‌پا شد.